■ روزهای اول زندگیمون بود اما من هیچ انگیزه ایی برای زندگی نداشتم ، کلافه بودم ، مثل آدمای مریض و افسرده شده بودم ، این رفتارم امیر رو هم حسابی آزار می داد گاهی اوقات که به امیر فکر می کردم دلم به حالش می سوخت

در اسارت عشقی خاموش !

زهرا بیگلری

✓ آواری از حسرت سالهای خوشبختی بر سرم فرود آمد و ...

غروب یک روز پائیز ی بود ، آبی آسمان رخت بر بسته و خورشید لباس آتشین غروب بر تن کرده ، و غرور زیبایش را به سیاهی شب فخر می فروخت . روی نیمکت در گوشه ای از پارک چشم به زیبائیهای خلقت دوخته بودم ، غرق در افکارم بودم، ناگهان با صدایی غریب اما آشنا به خود آمدم ، رشته افکارم پاره شد ،سرم را چرخاندم ،چند قدم دورتر با قیافه ای آرام که حکایت ازوقارو متانت داشت ، ایستاده بود،با لبخندی که انگار همه محبتش را هدیه می کرد ، سلام داد و در حالی که نگاهش به پائین بود گفت : ببخشید : مزاحمتون که نشدم ؟ من که هنوز بهت زده بودم ،یکدفعه به خودم اومدم . او اجازه خواست تا دقایقی را با هم صحبت کنیم . راست راستی خودش بود ! رحیم، دوست و رفیق امیر . برای لحظاتی مثل اینکه آب سرد رو سرم ریخته باشند، سردم شد ،مات و مبهوت فقط نگاه کردم ، دلم لرزید به یکباره تمام خاطرات تلخ گذشته ام در مقابل چشمانم تداعی شد .

آواری از حسرت سالهای خوشبختی بر سرم فرود آمد و سنگینی نگاه غضبناک تقدیرم را بار دیگر احساس کردم ، انگار رحیم آمده بود تا هستی بر باد رفته ام را برایم گوشزد کند ! ! رحیم که زیر چشمی از چهر ه ام متوجه پریشانی ام شده بود ، دوباره عذرخواهی کرد و گفت : اگر حضورش آزارم می دهد ،مجبور نیستم به حرفهایش گوش دهم . ٤ سال و نیم از آخرین باری که رحیم رو دیده بودم می گذشت با دیدن او به روزهایی برگشتم که با هزار و یک ترفند می خواست منو عاشق خودش کند ،بالاخره هم بعد از گذشت سه سال از تلاش رحیم ، من صادقانه شیفته ی او شدم ، چطوری ، نمی دونم! شاید بیشتر به خاطر این بود که او هم صادقانه منو دوست داشت .

هنوز یکسالی مونده بود که درسمون تموم بشه ، من و رحیم و امیر همکلاس دوران دانشگاه بودیم ،آشنایی ما از زمان ورود به دانشگاه (در رشته معماری) بود. رحیم پسر خوش برخورد ، مهربون شدیداً شلوغ و کمی هم مغرور بود. همیشه با اساتید گل می گفت و گل می شنید، خیلی از بچه ها رو هم سرکار می ذاشت و اذیتشون می کرد. البته این از بد ذاتی او نبود ، اتفاقا دل پاکی داشت ، و لبریز از احساسات لطیفی بود که اصلا از ظاهرش پیدا نبود .

همه ی حواسش به من بود و نگاهش همیشه مراقبم ، این رو کاملا احساس می کردم . رحیم با هر بهانه ای سعی می کرد خودش رو به من نزدیک کند . درواقع تمام محبت ما در نگاهمان خلاصه می شد . البته گاهی اوقات از دست این کارهایش کلافه می شدم او بر عکس رحیم پسر ساکت ، سر به زیر و به قول رحیم بچه بیست بود ، امیر آدم مرموزی بود با کسی جز رحیم رفیق نبود ، شدیداً سرش تو درس و کتاب بود البته از حق نمی شه گذشت همیشه نمره الف کلاس رو می گرفت . اما هیچ وقت مغرور نمی شد ، یا لااقل من اینطوری فکر می کردم . هنوز یک ترم مونده بود تا فارغ التحصیل بشیم که نگاه و رفتارهای رحیم عوض شد ، دیگه مثل سابق نبود ، کاملا واضح بود که سعی می کرد خودش را از من قایم کند ،حتی پروژه ای رو که به اصرار خودش قرار بود با هم (من و رحیم وامیر) انجام بدهیم با بهانه های مختلف ،نیمه کاره رها کرد و به من و امیر سپرد. نگاهش سنگین شده بود. حتی برای امیر هم سوال شده بودکه چرا رحیم یکدفعه اینقدر تغییرکرده ، سه هفته ای از این ماجرا می گذشته و من کاملا عصبی و گیج شده بودم مدتی بود که احساس می کردم که امیر می خواد موضوعی رو بهم بگه ،دلم وصابون زده بودم که راجب رحیم اما ... یک روز بعد از اینکه کلاسمون تموم شدم متوجه پچ پچ رحیم و امیر شده ، به نظر می رسید یه بحث جدی دارند، رحیم می خواست بره اما امیر مانع شد . در همین حین امیر که متوجه حضور من شده بود ،با باز کردن جزواتش و حرفهای فرمالیته با رحیم وانمود کرد که هیچ اتفاقی نیفتاده بعد هم هر دو با لبخندی تصنعی و تکان دادن سر به نشانه ادب و احترام رفتند پائین . حسابی کنجکاو شده بودم، از طرفی کاملا بهم ریخته بودم خیلی دلم می خواست دلیل رفتارهای عجیب رحیم رو بفهمم ، چون اصلا برام قابل هضم نبود اون که سه سال تلاش کرده بود نظرمنو به خودش جلب کنه و با زبان بی زبانی به من بفهمونه که چقدر دوستم داره حالا مثل شعله آتشینی که آب سرد روش ریخته باشند ، خاموش شده بود و محبتش رو از من دریغ می کرد ، روزی که آخرین امتحان ترم رو دادیم ، بعد از تحویل برگه امتحانم خیلی سریع سالن امتحانات را ترک کردم تا مجبور نباشم رحیم و امیر رو ببینم . با عجله در حال خارج شدن از محوطه ی دانشگاه بودم که ناگهان با صدای رحیم (سارا خانم ،سارا خانم) میخکوب شدم ، حتی دوست نداشتم سرم رو به طرفش برگردونم ، اما ته دلم راضی نشد (به خودم که نمی توانستم دروغ بگم ، هنوزم دوستش داشتم !) برگشتم و گفتم: بله آقای مسعودی کاری داشتید؟در حالی که نفس نفس می زد ، نگاهش رو پائین انداخت و گفت: اگه ممکنه چند دقیقه صبر کنید ، باهاتون کار داشتم. اون لحظه فقط صدای تپش قلبم رو می شنیدم ، گوشهایم داغ کرده بود خیلی وقت بود که منتظر این لحظه بودم، لحظه ای که رحیم حرف دلش رو بهم بزنه، اما ! در کمال نا باوری وقتی خودمو روی زمین حس کردم فقط یک جمله ازش شنیدم ، باورم نمی شد او از من برای امیر خواستگاری کرد ! فقط بهش خیره شدم ، مثل آدمی شده بودم که روحش و از بدنش جدا کرده باشند ... نفهمیدم چطوری از دانشگاه خارج شدم اما می دونم این آخرین دیدار من و رحیم بود . احساس می کردم او احساس منو به بازی گرفت ، غرورم رو جریحه دار کرد و شعله محبت رو برای همیشه در وجودم خاموش . نمی دونم چرا و چطور نفرتم از رحیم ، پلی شد که ناخواسته منوبه سوی نگون بختی برد ، بزرگترین حماقت زندگیم این بود که فکر می کردم با بدبخت کردن خودم و امیر می تونم رحیم رو خورد کنم ،غافل از اینکه یه روز خودم قربانی این حماقتم می شم !

خیلی زود و به فاصله ی یکماه مراسم ازدواج من وامیر سرگرفت بدون اینکه به این فکر کنم که می توم امیر رو دوست داشته باشم یا اصلا دلیلی برای دوست داشتنش دارم یانه ؟

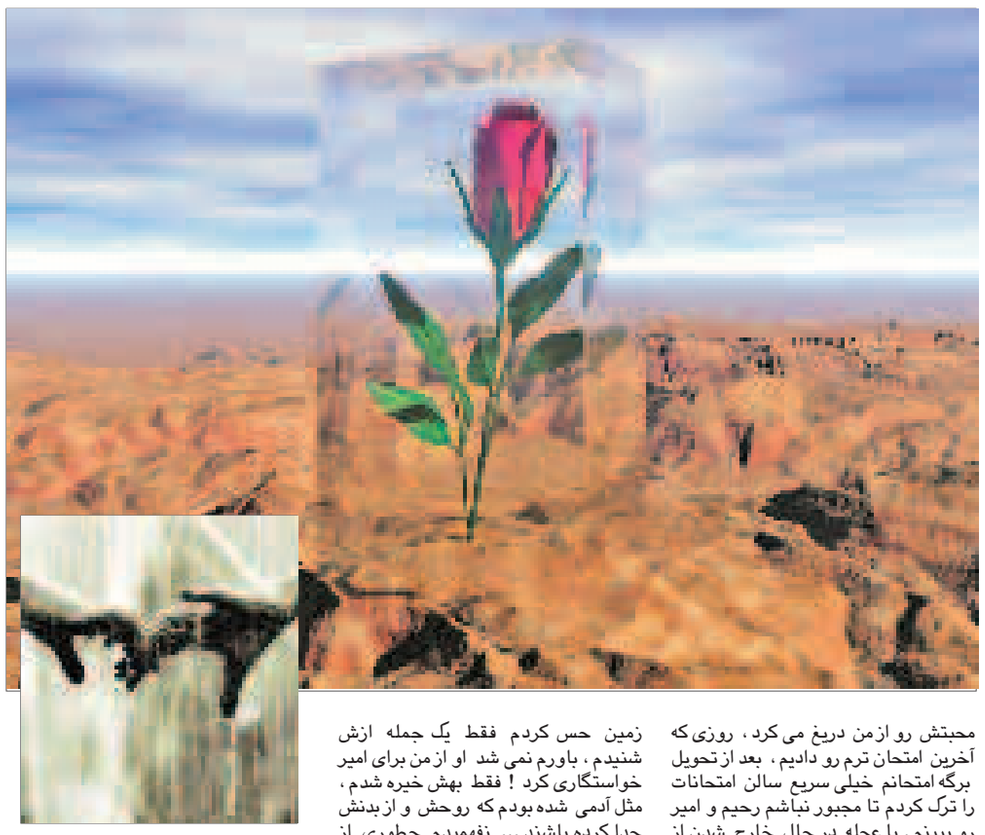

روزهای اول زندگیمون بود اما من هیچ انگیزه ایی برای زندگی نداشتم ، کلافه بودم ، مثل آدمای مریض و افسرده شده بودم ، این رفتارم امیر رو هم حسابی آزار می داد گاهی اوقات که به امیر فکر می کردم دلم به حالش می سوخت ، اون هرگز دلیل رفتارمنو نفهمید و اینکه علاقه ای به او نداشتم . یکسالی به همین وضع گذشت ، کم کم حرف و حدیثها شروع شد ،حتی امیرهم که توی این یکسال همه ی تلاشش رو کرد که منو به زندگی بر گردونه دیگه عاجز و درمانده شده بود.مادر امیر اصرار داشت که یک بچه می تونه به زندگی ما طراوت و شادی ببخشه، البته امیر هم موافق بود اما من حوصله هیچ چیز و هیچ کس رو نداشتم به همین خاطر کار رو بهانه کردم و اینکه هنوز برای بچه دار شدن زوده .

رفتارهای من شده بود کوهی از سوال برای امیر و خانواده اش ، کم کم از سوی خانواده خودم هم تهدید شدم که اگر بخوام با وضعیت ادامه بدم، طردم می کنند . امیر همچنان منو صبورانه تحمل می کرد و من با این تصور که نمی تونم امیر رو دوست داشته باشم ازش خواستم تا از هم جدا بشیم چون عقیده داشتم زندگی ای که با عشق شروع نشه سرانجامی نداره ! تمام تلاش امیر در این دو سال برای اثبات عشق و علاقه اش به من کاملا بی فایده بود. او ناخواسته و با وجود سرزنشها و مخالفتهای خانواده اش حاضر شد بخاطر من "دریک روز پائیزی ابر آلود " برای همیشه از زندگی من بیرون بره ! هنوز یادمه روز جدایی مون ، نگاه های بغض آلود امیر که بی وفایی منو فریاد می زد او حتی از من نپرسید که چرا ...؟ و من با خودخواهی تمام و محکوم کردن خودم در اسارت عشقی خاموش ، قلب پاک امیر رو شکستم ! فراموش کردم معنای عشق و محبت تنها در نگاه من و رحیم نیست و محبت همون چیز ی بود که امیر دو سال تمام ، نثار من کرد و من ازش دریغ کردم ...

بعد از مکث طولانی من ، رحیم نزدیکتر اومد و روی نیمکت نشست توی این سالها همیشه دوست داشتم ببینمش و سوالی را که سالها در ذهنم داشتم ازش، بپرسم ، بپرسم که چرا رفت ؟ اما حالا که می دیدمش احساس می کردم هیچوقت برام مهم نبوده که چرا رفت؟ اصلا برا ی چی برگشته اون برگشته بودکه بگه مجبور بوده به خاطر امیر و رفاقتشون پاشو از زندگی من کنار بکشه و حالا اومده که من بخاطر این بی وفایی مجازتش کنم ! اما راستش دیگه برایم فرقی نمی کرد چون رحیم برای من مرده بود ترجیح دادم دیگه چیزی نشنوم، با لبخندی تلخ از او خواستم دیگه هرگز به دیدنم نیاد و او که سرش رو پائین انداخته بود فقط سکوت کرد ... در حالیکه از رحیم دور ودورتر می شدم مرتب این جلمه رو زیر لب زمزمه می کردم : " کاش امیر مرا ببخشد ".

پیمان با خداوند

■ خداوندا ! تورا سپاس که قابلم دانستی و به زیارت خانه ات دعوتم کردی ،تا پاسخگوی ندای ابراهیم خلیل باشم .

خداوندا ! تورا شکر توفیق دادی در حریم حرمت محرم شوم لبیک بگویم ، بر گرد خانه ات طواف کنم،هاجروار سعی صفا مروه کنم ، و در سرزمین وحی و دیار پاکان و مهد اسلام ، روزهایی را به یاد تو سپری کنم و اطاعت و بندگی را تمرین کنم .

خدایا بر این نعمت تو را سپاس می گویم که در فضای معنوی مسجد الحرام تنفس کردم و گام جای گام اولیایت نهادم و کنار مقام ابراهیم نماز خواندم و آداب زیارت به جای آورم .

روزها و شب های با صفای حرم و مسجدالحرام، هرگز از یادم نخواهد رفت و لحظات حضور درکنار بیت الله و چرخیدن به دور مقدس ترین بقعه عالم و طواف برگرد قبله توحید و کانون جاذبه ها الهی ، ارزنده ترین خاطرات من از این سفر است . خداوندا ! توفیق بده که گرد وغبار نسیان بر این خاطرات نورانی نیفشانم .

یاریم کن ، تا عهد بندگی را از یاد نبرم .

خدایا ، مهربانا ، معبودا، کریما !

با تو عهد می بندم دلی را که خانه محبت تو بود ، به شیطان و نفس اماره ام نسپارم.

زبانی را که این ایام به ذکر تو مشغول بود ، به غیبت و تهمت و دروغ نیالایم .

قول می دهم با چشمی که به کعبه تو نگریسته گناه نکنم و با گوشی که ندای تو را شنیده ، به حرام گوش ندهم ، دستی را که حجرالاسود و کعبه را لمس کرده ، به سوی حرام دراز نکنم ،

باپایی که به عشق تو در حریم کعبه طواف کرده و بین صفا و مروه سعی کرده و بر خاک پاک این سرزمین گام نهاده ، در پی خلاف و معصیت نروم ، و دوباره با شیطان دوست نشوم ،

پس از آنکه با احرام ، جامه تعلقات را کنار گذاشتم، دوباره دنیا زده نگردم ،

خدایا ! ای خدای کعبه و مسجدالحرام ، ای خدای ابراهیم . اسماعیل ، ای فرستنده قرآن ای مبعوث کننده پیامبر، با تو عهد می بندم که صفا و معنویت این ایام را با گناه و غفلت از بین نبرم .

خداوندا ! پیمانم را بپذیرو به این میثاق ،شاهد باش.

توفیق بده که بر این عهد و پیمان استوار بمانم ، در راه دین و بندگی و محبت اهل بیت و عشق ولایت و انتظار مهدی (عج) ، سست نشوم و وسوسه های شیطان مرا از تو غافل نسازد و فراموش نکنم که بنده ام و تو مولای منی و از بنده ، چه انتظاری در برابر مولا ست ، جز اطلاعات و تسلیم ؟ !

خدایا ، یاورم باش تا باورم را از دست ندهم ، نصیرم باش ، تا اسیر دنیا نشوم ، روزی کن ، تا دوباره به زیارت خانه ات بیایم .

آمین یارب العالمین

بررسی نیازمندی های زنان کارمند و هنرمند

کلثوم جعفری

چکیده

تحقیق حاضر درصدد مشخص کردن مهم ترین اولویت ها و نیازمندیهای زنان کارمند و هنرمند در زمینه اجتماعی ، خانوادگی و حقوقی است که بیشتر از همه بعد آموزشی در هر سه بخش مد نظر بوده است .

مثل : آموزش در زمینه مسایل دینی و مذهبی ، فعالیت هنری ،کسب مهارت های اجتماعی ،کسب مهارت های زندگی،کسب مهارتهای ارتباطی میان فردی ،سلامت و باروری جنسی ، سلامت و روان ،... و تشخیص نیازهای اساسی درون سازمانی مثل:راه اندازی مهد کودک ، عائله مندی و کاهش ساعت کاری و نیازهای خانوادگی شان چون انتظاراز همسر ، فرزند ، مادر و سنجش تمایل شان جهت دارا بودن مشاغل اداری یا آزاد ، مدنظر بوده است و آنچه که از نتایج پژوهش به دست آمده است راه اندازی مهد کودک و برگزاری کلاس های آموزشی مهارت های زندگی ، آموزشی فیلم برداری و انیمیشن ... و بالابردن زمان مرخصی زایمان و پاس شیر و پرداخت عائله مندی برای خانم هایی که شوهر انشان شغل آزاد دارند .

مقدمه

نیازسنجی در واقع فرآیند جمع آوری و تحلیل اطلاعات است که بر اساس آن نیازهای افراد ، گروه ها ، سازمان ها و جوامع مورد شناسایی قرار می گیرد .

ا ین شناسایی از دیرباز در جوامع انسانی صور ت گرفته است ، زیرا انسان از زمان آفرینش ناگزیر از شناسایی نیازهای متنوع خویش و تصمیم گیری درباره ی راههای بر طرف ساختن آنها بوده است.

نیاز آموزشی نیز دارای قدمت طولانی است زیرا جوامع بشری برای تربیت و آماده سازی نسل ، همواره نظامی را هر چند به صورت سنتی تدارک می دیدند و برنامه ها و روش هایی را به کار می بستند و با شناخت و تغییر و تحول های اجتماعی ،نیازها و بالطبع اهداف وبرنامه های جدید تری را مورد توجه قرار می دا دند .

به رغم سابقه نسبتاً طولانی نیاز سنجی در سایر حوزه های معرفت به ویژه خدمات اجتماعی و بهداشتی ، نیاز سنجی تعلیم و تربیت مقوله ای است که از دهه ی ۱۹٦۰ به بعد مورد توجه مخصوص قرار گرفته و الگو ها و روش ها ی متعددی برای آن طرح و پیشنهاد شده است . بررسی بیشتر تعلیم و تربیت نشا ن می دهد که برخلاف کاربرد وسیع واژه نیازجهت توجیه اهمیت و ضرورت بسیاری از برنامه های تربیتی و سنجش نیازهابه عنوان یک اصل در توزیع منابع و امکانات برای طرح های مختلف هنوز ،برداشت واحدی از آن در دسترس نیست . ناکامی در ارایه یک بر داشت منسجم و جامع از مفهوم نیاز سنجی سبب شده است که بعضی از متخصص ها نظیر (ماتی مورو نادش) از واژه های جایگزین ، نظیر سنجش موقعیت و یا تحلیل موقعیت استفاده کنند .

۱- بیان مساله

امروزه نقش زنان در عرصه های مختلف بشر غیر قابل انکار است . در طول دهه گذشته ، تلاشهای پی گیر زنان برای کسب حقوق خود و شرکت فعال در مسایل اجتماعی ، فرهنگی ، اقتصادی و سیاسی افزا یش چشمگیری یافته است .

این تلاش ها در کشورهای در حال توسعه تا توسعه یافته ، گسترد ه شده است . اما در این زمینه هر کشوری بنا بر شرایط سیاسی ، فرهنگی و اجتماعی آن ، شیوه ها ی خاص خود را پی می گیر د . در کشور ما ایران نیز زنان می کوشند ، استعداد و قابلیت ها ی نهفته خود راصحنه اجتماع به منظور برسانند و جایگاه واقعی خود را در کشور بیابند .

اما بدون شک ،این اقدامات ، بدون شناخت موقعیت کنونی زنان ایران و جایگاهی که دنبال آن هستند بدون در نظر گرفتن دشواری های

این راه ،چندان موثر نخواهد بود . در این جاست که نفش پژوهش و تحقیق در مسایل مربوط به زنان ، اهمیت ویژه ای می یابد از ا ین رو پژوهش حاضر ، نیازهای زنان کارمند و هنرمند که در سه شاخص کلی ، نیازهای اجتماعی ،خانوادگی و حقوقی دسته بندی شده است مورد سنجش قرار داده وعلاوه بر تبیین شاخص های کلی به بررسی مولفه های تشکیل دهنده هر شاخص به تفکیک پر ادخته شده است .

۲- تعاریف اسمی

۱ - ۲ - نیاز : عبارت است از خواست یا ترجیح اکثریت قریب به اتفاق یک گروه .

۲ - ۲ - نیاز سنجی : عبارت است از فرایند بررسی دیدگاه ها و نظرات افراد در مورد یک مساله مخصوص و تعیین مواردی که درباره ی آنان اتفاق نظر و جود دارد .

۳ - ۲ - زنان کارمند : منظور شاغلین است متصدی یکی از پست های سازمانی هستند.

٤ - ۲ - زنان هنرمند : منظور زنانی هستند که در یکی از رشته های هنری چون نمایش ، موسیقی ، هنرهای تجسمی و داستان تبحر دارند و عضو انجمن های هنری در شهر بندرعباس هستند .

مهمترین مقاصدی که نیاز سنجی در جهت دستیابی به آن ها طراحی و به مرحله اجرا گذاشته است به طور خلاصه عبارتند از :

۱ - فراهم سازی اطلاعات برای برنامه ریزی

۲ - ارزیابی و سنجش

۳ - تشخیص و یا شناسایی ضعف ها ، مسایل و مشکلات اساسی سازمان .

٤ - رشدوتوسعه سازمان و کارکنان

٥ استفاده بهینه از منابع و امکانات

۳ - اهمیت وضرورت مساله تحقیق

فقدان آگاهی از نیازهای زنان کارمند و هنرمند یکی از مسایل و عو امل بازدارنده در برنامه ریزی راهبردی به شمار می رود ، برخی از صاحب نظران با این تعریف از " نیاز" که (نیاز فاصله میان نتایج جاری و نتایج مورد نظر) است عوامل زیر ر ا برای برنامه رریزی ناموفق عنوان کرده اند.

- ضد و نقیص بودن مسایل و نتایج

- گزینش راه حل (روش ها ، وسایل ، فنون فعالیت و منابع) ،قبل از تشخیص نیازها و تعیین نتایج مورد نیاز .

داشتن این تصور که نیازها ومسایل بر حسب تجربه -(یا نظر خواهی از کارشناسان) شناخته شده اند .

- مشخص کردن وسایل به جای نتایج .

هریک از عوامل فوق ، به عنوان بازدارنده ، ایجاب می کند که اساساً قبل از هر چیز در فرآیند برنامه ریزی در مورد زنان کارمند و هنرمند ، نظر خواهی و تحقیق از خود آن ها در متن کار قرار گیرد و به عنوان یکی از منابع اصلی در شناسایی نیاز ها به کار برده شود .

٤ - اهداف تحقیق فراهم نمودن اطلاعات دقیق و معتبر برای برنامه ریزی در خصوص مسایل زنان کارمند و هنرمند هستند .

٥ - اهداف ویژه

۱ - مشخص کردن مهمترین نیازهای اجتماعی زنان کارمند و هنرمند در زمینه ی آموزش و اشتغال .

۲- مشخص کردن مهم ترین نیازهای خانوادگی شان در مورد آموزش و انتظارات شان از خانواده .۳ - مشخص کردن مهم ترین نیازهای حقوقی زنان کارمند و هنرمند در درون سازمان و خانواده.

منبع: گلپنگ ۱۳ فصل نامه آموزشی -پژوهشی

کالا های نامرغوب در بسته بندی های رنگارنگ

■ بسته بندی ، تاریخ مصرف ونشان استاندارد برای یک کالا به منزله اعتبارآن درمیان مصرف کنندگان است .

این ویژگی ها یک شبه بدست نیامده وحاصل تلاشهای جامعه جهانی در طول قرون گذشته است به همین دلیل هر یک از خصوصیات ذکرشده از چنان ارزش واعتباری برخوردار است که هر نوع خدشه ای باعث به خطر افتادن این دستاوردها می شود و فراوانی تولید به همراه تنوع کالا در کشور که در سالهای بعد ازپیروزی انقلاب اسلامی یک امتیاز ویک دستاورد ارزشمند محسوب می شود، از جمله بسته بندی مواد غذایی بهبودی قابل ملاحظه ای پیدا کرده است که موجب اطمینان مصرف کنندگان می باشد اما در این عرصه شاهد تخلفاتی هستیم که به فراوانی وتنوع محصولات واعتبار آنها در میان مصرف کنندگان آسیب وارد می کند .

گاها از زبان مردم می شنویم یا می خوانیم که در فلان محصول غذایی علیرغم داشتن بسته بندی شیک وقابل اطمینان ، حشره مرده یا تکه فلز دیده شده است یادر فلان شیشه نوشابه به رغم در پوش شیک ومطمئن شی خارجی به چشم می خورد لذا این سهل انگاری ها در مرحله تولید ناشی از بهاء ندادن تولید کنندگان به کنترل کیفیت محصول ونبود نظارت دقیق در این زمینه است . وزارت صنایع ، موسسه استاندارد وتحقیقات صنعتی وسازمان حمایت از مصرف کنندگان به عنوان سه رکن مهم باید این مشکلات را پیگیری کنند تا از گسترش بی اعتمادی در میان مردم نسبت به کیفیت فرآورده های صنعتی پیشگیری نمایند .

بدیهی است نخستین گام ایجاد واحدهای کنترل کیفیت در کارخانه های بزرگ تولیدی واستاندارد اجباری فرآورده های صنعتی است وگام بعدی مجازات سنگینی تولید کنندگان است که محصول فاقد کیفیت یا آلوده وتاریخ مصرف گذشته رابه بازار عرضه می کنند .

سعید میرزایی دوستان
کارشناس امور گمرکی ، گمرک شهید رجایی

تلفن های ضروری

شرکت آب منطقه ای استان	۳۳٥٤۱۱٥
شرکت آب و فاضلاب استان	۳۳٥۰٥۸٦
شرکت آب وفاضلاب روستا یی	۳۳۳۸۰۰۲-۳
آتش نشانی	۱۲٥
پلیس	۱۱۰
دفتر نظارت همگانی(نیروی انتظامی)	۱۹۷
ستاد خبری	۱۱۳
اورژانس	۱۱٥
اطلاعا ت قطارهای مسافری	۱۳۹
خرابی تلفن	۱۱۷
اطلاعات تلفن	۱۱۸
اتفاقات برق	۱۲۱
اتفاقات آب غرب	٥٥٦۱۰۰۱-۲
سازمان آموزش و پرورش	۳۳۳۹۰۰۱-٥
آموزش و پرورش ناحیه۲	۲۲٤۷۷٤۷-۸
آموزش وپرورش ناحیه(۱)	۲۲۲۳٥۳۷
شرکت برق منطقه ای	۳۳۳۱۷۰۰-٥
شرکت مخابرات هرمزگان	٦٦٦۹٥٤٤
اداره کل تامین اجتماعی استان	۲۲٤۲٤۹٥
سازمان انتقا ل خون	۲۲۲۸۰۳۲
اداره کل نوسازی مدارس	۳۳۳٤۳۸۱-۲
اداره کل فنی وحرفه ای استان	٦٦٦۸۹۸۱-٤
صدا وسیما ی خلیج فارس	۳۳۳۰۰۲۰ -۲۳
اطلاعات پرواز	٦٦٦٥۸۲۸
شرکت توزیع نیروی برق	٥٥٦٤۱۷۰-۳
سازمان جهاد کشاورزی	٦٦٦۲٥٤۱-٦
اداره کل استاندارد	۳۳۳۸۰٥۳
شهرداری بندرعباس	۲۲۲۳۰۲۱-۳
مرکزمخابرات امام خمینی	٥٥٦۲۲۲۳
اداره کل راه وترابری استان	۳۳۳۲٥۹۱-۳
دانشگاه هرمزگان	۳۳۳٤۰۱۲٤
شورای اسلامی شهر بندرعباس	۲۲٤٦۳۹۰
سازمان مسکن وشهرسازی	۳۳۳۱۹٥٥
تاکسیرانی بندرعباس	٤۳۷۰۰۰۱ - ٤
خدمات بار فرودگاه بندرعباس	٦٦٦٥۸۰٥
بیمارستان خلیج فارس	٦٦۷۰۲۸٥-۹
بیمارستان شهید محمدی	۳۳٤۷۰۰۱-۸
بیمارستان امام رضا	۳۳۳٦۰۰۳-٥
بیمارستان شریعتی	۳۳۳۲٤۲٤
تاکسی تلفنی هرمزگان	۲۲۲۰۱۱۰
تاکسی تلفنی توران سفر	۳۳٤٥۰٥۰
تاکسی تلفنی بندر تاز	۳۳۳٥۳۲۲
تاکسی تلفنی امید	۳۳٤۸۰٤۰
تاکسی تلفنی عدالت	۳۳٤۸۸۱۰
تاکسی تلفنی همراه	٥٥٦٤۸٤۲
تاکسی تلفنی نادر گشت بندر	۳۳٤۳۱۹۷
تاکسی تلفنی آریا	۷٦٦۰٤٤۰
تاکسی بیسیم بندرعباس	۱۳۳
بیمارستان صاحب الزمان (عج)	٥٥٦٤٥۰۱-٤
سازمان بازرگانی رسیدگی به شکایات مردمی	۱۲٤

تاکسیرانان عزیز
نصب علائم غیرمتعارف در بدنه و سقف تاکسی و همچنین بکارگیری تجهیزات اضافی در تاکسی ممنوع می باشد
روابط عمومی سازمان مدیریت و نظارت بر امور تاکسیرانی بندرعباس